

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

فرستنده: ر. مهسا
۱۹ اگست ۲۰۱۵

زنان چگونه می توانند به صلح و امنیت دست یابند؟*

ما زنان خواهان داشتن جهانی هستیم که در آن صلح و امنیت و آزادی و رهائی مان تضمین باشد. جهانی که هیچ زنی در آن مورد خشونت قرار نگیرد. جهانی که هیچ زنی در آن مورد ستم و استثمار نباشد. جهانی که نیاز به داشتن اسلحه و بمب و... نباشد و زنان و کل بشریت برای پیشرفت جامعه بدون داشتن حق برتری جنسی و نژادی و ... تلاش کنند. اما سوال مهم این است که آیا در سیستم جهانی مرد/پدرسالاری که اکنون در سطح جهانی غالب است می توانیم به این خواسته های عادلانه دست یابیم؟

خشونت علیه زنان یک پدیده جهانی است. هیچ نوشته ای نمی تواند تأثیرات روانی زنی که مورد تجاوز قرار گرفته را به رشته تحریر در آورد. هیچ سخنرانی نمی تواند موقعیت زنی را که از جانب همسر و یا مردان خانواده مورد ضرب و شتم قرار گرفته است، بیان کند. هیچ کلامی نمی تواند در هم ریختن شأن انسانی زنانی را که با زور و فریب و یا در نتیجه فقر خرید و فروش می شوند، بازگو کند.

خشونت علیه زنان پدیده جدیدی نیست، اما گسترش بی سابقه و ابعاد آن در جهان مردسالار سرمایه داری به پدیده ای هولناک بدل شده است. از تجارت دختران خردسال و زنان جوان به کشورهای غربی و سایر کشورها برای تن فروشی اجباری و پورنوگرافی تا تجاوز و ضرب و شتم، توهین و تحقیر زنان در خانه توسط مردان خانواده، زنجیر به هم پیوسته ای است از ستم دولتی، اجتماعی و خانگی بر زنان. این سیستم مردسالار سرمایه داری است که چنین خشونت بی رحمانه و خشنی را بر زنان اعمال می کند. این سیستم بدون فرودستی زنان، بدون دفاع عملی و ایدئولوژیک برتری و مالکیت مرد بر زن و سازماندهی وسیع ترین شکل خشونت در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و خانگی قادر به ادامه حیات نمی باشد.

هیچ جایی در جهان برای زنان امن نیست. برای هیچ زنی از روستاهای کشورهای جهان سوم گرفته تا شهرهای کشورهای امپریالیستی امنیت وجود ندارد. از دهلی تا کنگو، از نیویورک تا اسلام آباد، از تهران تا بیجینگ، از مسکو تا قاهره، از کابل تا برلین، از بصره تا لیما و سایر نقاط جهان زنان و دختران جوان از خطر خرید و فروش بدن شان، ضرب و شتم، پورنوگرافی، تجاوز، زندانی شدن در خانه، به قتل رسیدن، اسید پاشی به سر و صورت، آزار جنسی و روانی در امان نیستند. در واقعیت امر، بدن زنان از آنان جدا شده و به تصرف مردان در آمده است.

در کشورهای غربی علی رغم برابری نسبی قانونی، با وجود یک سیستم مردسالار، تبعیضات ضد زن را در عرصه های مختلف و ابعاد گسترده، تولید و بازتولید می کند. خشونت علیه زنان در اشکال گوناگون هم چون تجاوز، ضرب و شتم و خشونت خانگی در ابعاد وسیع همچنان ادامه داشته و افزایش یافته است. حق سقط جنین پیوسته با

محدودیت در کشورهای مختلف روبه رو می‌شود. بدن زن در این کشورها شکل دیگری از کالاست و از این طریق کنترل و مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد. هر ساله هزاران دختر جوان و نوجوان از طبقات محروم این کشورها و همچنین از کشورهای جهان سوم و یا کشورهای بلوک شرق سابق توسط سوداگران انسان برای بردگی جنسی اگرچه نه به شیوه داعش بلکه به شکل "مدرن" آن، به بازار سکس این کشورها وارد می‌شوند تا به عنوان برده جنسی در فاحشه خانه‌های کشورهای مدرن غربی مشغول کار شوند، و یا وارد "صنعت" پورنو گرافی شوند، تا فرودستی و ستم‌های ظالمانه علیه زنان به شکلی، به اصطلاح مدرن را تضمین کنند و میلیاردها دالر را نصیب سلاطین سرمایه کنند.

زنان در منطقه خاورمیانه به خاطر حملات و تجاوزات امپریالیست‌های اشغال‌گر از یک سو و از سوی دیگر با رشد بنیادگرایی اسلامی متحمل ستم‌های غیرقابل تصویری شده‌اند. جنگ‌افروزی‌ها و اشغال‌گری‌های سبعانه قدرت‌های امپریالیستی برای کنترل منطقه خاورمیانه تحت پهنه‌های مختلف و رشد نیروهای اسلامی که در بنیادگرایی از هم پیشی می‌گیرند، زنان این منطقه را در موقعیتی به مراتب سخت‌تر و حقارت‌بارتر از گذشته قرار داده است.

با اشغال عراق و جنگ در سوریه که در نهایت منجر به قدرت‌گیری دولت اسلامی داعش شد، زنان در منطقه به‌طور کل و به‌خصوص زنان ایزدی به شیوه وحشیانه‌ای به بردگی جنسی کشانده شده و خرید و فروش می‌شوند. میلیون‌ها زن در این منطقه در کشورهای عراق و سوریه، آواره در کوه و بیابان تحت بدترین شرایط زندگی می‌کنند و از هر حق و حقوق انسانی محرومند و پیوسته تهدید به تجاوز و خشونت می‌شوند.

از دوران اشغال نظامی افغانستان توسط امپریالیست‌های مردسالار امریکائی و شرکاء و به قدرت رساندن دولت اسلامی در این کشور و به تصویب رساندن قوانین ریز و درشت علیه زنان که بر شریعت اسلامی استوار است نه تنها موقعیت زنان بهبود نیافته بلکه ابعاد خشونت و بردگی زنان را توسعه بخشیده است. اشاعه خرافات و دین پرستی از جانب دولت و مرتجعین اسلامی در جامعه هر روز ابعاد گسترده تری به خود می‌گیرد. روزی نیست که در افغانستان مورد تازه‌ای در باره تجاوز، سنگسار، قتل ناموسی و زن کشی و یا جنایت دیگری علیه زنان به گوش نرسد.

در ایران نیز از همان ابتدای قدرت‌گیری رژیم ضد زن جمهوری اسلامی زنان و بدنشان مرکز کشمکش برای استقرار و تحکیم قدرت طبقات ارتجاعی در ایران بوده است. جنگ علیه زنان در این رژیم با فرمان ارتجاعی حجاب اجباری و شعار «یا روسری، یا توسری» آغاز شد و این جنگ تا به امروز ادامه یافته است. در طی بیش از سی و پنج سال خشونت دولتی علیه زنان و گسترش آن در جامعه یکی از ستون‌های اصلی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی را تشکیل داده است. در واقع همین روی کار آمدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ایران و سیاست‌های به غایت سرکوب‌گرانه اش نقطه عطفی در پیش برد اهداف و برنامه‌های جنایت‌کارانه و چپاول‌گرانه امپریالیستی و گسترش بنیادگرایی یکی پس از دیگری در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. این یک بازسازماندهی مذهبی بود که بدون تکیه بر شرایط فکری - سیاسی مردم جهان، بدون تکیه بر گنجی و ناامیدی فکری و عملی مردم جهان، بدون تکیه بر کارزار عظیم قدرت‌های سرمایه‌داری علیه انقلاب و تغییرات بنیادی، بدون حمایت‌های سیاسی، نظامی، مالی و همچنین کارزارهای فکری و تئوریک آنان و حمایت مستقیم و غیرمستقیم از نیروهای مرتجع، بدون همراهی مستقیم و غیرمستقیم متفکرین و تئورسین‌های سکولار و روشن‌فکران در سراسر جهان و بدون بازسازماندهی مجدد نیروهای اجتماعی و طبقاتی؛ و بازسازماندهی سرمایه‌داری امپریالیستی در کلیت آن ... امکان‌پذیر نبود.

سیستم امپریالیست مردسالار برای اعمال سرکوب و ستم تنها از بازسازماندهی‌های مذهبی بنیادگرایانه، اشاعه و تحکیم ایدئولوژی، فرهنگ و ارزش‌های کهنه منطبق با مالکیت خصوصی، و روابط و افکار مبتنی بر تمایز استفاده نمی‌کند بلکه از همه مهم‌تر دستگاه قهر دولتی، ارتش و نیروهای نظامی آن است که به دهشتناک‌ترین شکل سرکوب و کشتار، این امر را میسر می‌نماید.

در چنین شرایطی چگونه می توان صلح و امنیت برای زنان و به طور کل توده های مردم را متحقق کرد؟ آیا می توان از امنیت برای زنان حرف زد اما در برابر جنگی که بنیاد گراها و امپریالیست ها بر زنان تحمیل کرده اند سخنی به میان نیاورد؟ آیا می توان خشونت سازمان یافته دولتی که به طور سیستماتیک هر روزه در خانه و خیابان و محل کار بر زنان اعمال می شود را نادیده گرفته و در مقابل آن هرگونه حرکت انقلابی و یا خواست انقلابی زنان برای سرنگونی این رژیم را رد کرده و آن را عین خشونت و نقض امنیت زنان معرفی کرد؟ مسلماً نه! اما آن چه که از جانب سردمداران این نظام و ایدئولوگ های آن تبلیغ می شود تفکرات زن ستیز پراگماتیستی، اصلاح طلبانه و ... در رد انقلاب و "واقع بینانه و امکان پذیر" بودن رفرم است که بتواند در خدمت منافع و اهداف ستمگرانه و استثمارگرانه خود قرار گیرد. این خط فکری را تبلیغ می کنند که این خشونت های افسارگسیخته علیه زنان، یک مسأله فرهنگی است و در ساختار این نظام با انجام کمی اصلاحات در قوانین آن و باز خوانی های زنانه از آن، می توان به "حقوق" مورد نظر شان در رابطه با زنان دست یافت. فقط کافی است زنان «مبارزات» را "خشونت آمیز" نکنند بلکه «خواسته ها»ی مسالمت آمیز داشته باشند زیرا در غیر این صورت با نقض کنندگان صلح و امنیت هم کاسه اند!

رفرمیست ها، گرایش راست و اصلاح طلب حکومتی و غیرحکومتی در ایران، از این دسته اند. آن ها همراه با سازمان های "حقوق بشری" و نهاد های هم چون ان.جی. او ها، تلاش دارند تفکرات پراگماتیستی و مماشات جویانه شان را تئوریزه و مبارزات حق طلبانه مردم را فروکش داده و مشارکت زنان در جنگ و مبارزه مسلحانه را تحت این عنوان که باعث گسترش خشونت علیه زنان می شود، تقبیح کنند. این طرز تفکر را در برخوردی که نسبت به مبارزات به حق زنان کوبانی کردند به روشنی می توان دید. اینان این گرایش را پیش گذاشتند که تمام جنگ ها، با هر هدف و برنامه ای که بر پا شده باشند، علیه زنان هستند و زنان به هیچ وجه نباید در آن شرکت کنند. این گرایش فکری شرکت در جنگ ها را یک عرصه مردانه دانسته که فقط مردان آن را برپا می کنند. بنابراین مشارکت زنان در جنگ و مبارزه مسلحانه آن ها در کوبانی را تحت این عنوان که باعث گسترش خشونت علیه زنان می شود، محکوم و رد کرده و آن را عین خشونت معرفی کردند. اینان بین مردمی که از حقوق انسانی و زندگی خود دفاع می کنند و کسانی که می خواهند مردم را به اسارت و بردگی بکشانند، تفاوتی قائل نشده و هر دو طرف را چون اسلحه در دست می گیرند، دارای یک ماهیت ارزیابی می کنند و تأکید می کنند که زنان ذاتاً اصلاح طلب بوده و فقط با مبارزات رفرمیستی و اصلاح طلبانه در چارچوب همین نظام زن ستیز می توانند وضعیت خود را بهبود بخشند! و این دقیقاً همان فلسفه ای است که می گوید زندانیان و شکنجه گر خود را نیز دوست بدار زیرا زنان "ذاتاً" و در هر شرایطی "مسالمت جو و صلح طلب" اند! تاریخ نشان داده است که بدون مبارزات رادیکال هیچ پیشرفتی در زندگی زنان به دست نیامده است. در حقیقت اگر اصلاحاتی به نفع زنان و یا سایر ستمدیدگان در هر جامعه ای انجام شده، در نتیجه انقلابات و مبارزات رادیکال از پائین بوده است. مبارزات سیاهان و زنان در امریکا در دهه ۶۰ و ۷۰ بر مبنای خواست های اصلاح طلبانه و رفرمیستی به وجود نیامد. در واقع امثال مارتین لوتر کینگ و خواسته های رفرمیستی او نبود که جنبش سیاهان را آفرید، این فمینیست های رفرمیست نبودند که باعث و بانی اصلاحات در مورد مسایل زنان شدند، بلکه به دلیل اوضاع انفجاری در سطح جهان، و مبارزات سهمگین و خونین سیاهان و زنان بود که دولت های سرمایه داری اروپا و امریکا مجبور شدند عقب بنشینند و تن به برخی اصلاحات دهند.

در واقعیت امر، این گرایشات و خطوط فکری- ایدئولوژیک جز حفظ و تداوم وضعیت موجود و بدتر شدن آن و جز به هدر دادن پتانسیل و نیروی عظیم زنان که هیچ نفعی در حفظ این نظام سرکوبگر ندارند و قادر اند با مبارزات رادیکال و انقلابی خود پایه های پوسیده آن را بلرزانند، کار دیگری از پیش نخواهند برد. بنابراین چگونه می توان

برنامه های مداخلات طلبانه زنان اصلاح طلب حکومتی و غیر حکومتی را الگویی برای رسیدن به صلح و امنیت برای زنان دانست؟

این واقعیات نشان می‌دهند که ما در اوضاع بسیار سختی به‌سر می‌بریم. سختی در این است که با وجود نارضایتی عمیقی که در بین خیل عظیم زنان و سایر اقشار و طبقات مردمی، خصوصاً زحمت‌کشان وجود دارد، اما بدیلی انقلابی در مقابل آنان برای برون رفت از این اوضاع به‌وجود نیامده و کماکان جهان زیر سیطره بنیادگرایان مذهبی، مرتجعین رنگارنگ و امپریالیست‌های مردسالار قرار دارد. زنان در سراسر جهان در موقعیت فرو دست قرار دارند، و در مقابل خشونت‌های سیستم پدر/مردسالارانه شکننده اند. سیستم یکی است و ستم بر زن یکی است و راهی برای دور زدن نیست. راحل‌رهای زنان در سیستم سرمایه‌داری مردسالار نهفته نیست چرا که این سیستم خود عامل و مبداء عمده ادامه و تشدید فرو دستان زنان در سطح جهان است.

آنچه که امروزه بیش از هر دوره در مقابل همه زنانی که حاضر نیستند تن به خشونت و فرو دستان دهند این است که بتوانند با پیشبرد هر چه وسیع‌تر مبارزه و اشاعه آگاهی در میان زنان به بسیج و متشکل کردن آنان بپردازند. بدون داشتن نیروی آگاه و متشکل زنان و سایر اقشار و طبقات مردمی با افق‌رهای بشریت، هر چقدر هم که مبارزات خود به خودی توسط زنان، جوانان و یا زحمت‌کشان جامعه به‌وقوع بپیوندند، تغییری اساسی در مناسباتی که تشدید فرو دستان زنان، سرکوب و اختناق و عمق بخشیدن به ستم و استثمار کل جامعه در سرلوحه‌اش قرار دارد، نمی‌دهد. همان طور که شرکت میلیون‌ها زن و مرد در مصر و تونس، نتوانست از درون مبارزات خود به خودی که نام «بهار عربی» را به خود گرفت، تغییری ریشه‌ای و بهاری واقعی برای زنان و سایر توده‌ها به‌وجود بیاورد؛ و نشان داد بدون یک آلترناتیو انقلابی واقعی که رهای زنان در سرلوحه برنامه‌هایش قرار داشته باشد، حتی با حضور میلیون‌ها توده مشتاق و پر شور و از جان گذشته هم نمی‌توان از شر دولت‌های واپس‌گرا و وابسته به امپریالیست‌ها و تفکرات پراگماتیستی شان خلاص شد و دوباره همان روابط کهنه و پوسیده باقی مانده از رژیم سابق، به‌شکلی عمیق‌تر بازسازی خواهد شد.

اگر این تجربیات تلخ نتواند راهی در مقابل‌مان باز کند ما از تاریخ هیچ نیاموخته‌ایم و محکوم به تکرار آن خواهیم بود. آموختن این درس‌های تاریخی ضرورتی است در مقابل زنان که ستمی هزاران ساله و به وسعت جهان را تجربه کرده و می‌کنند. ضرورت بر درب می‌کوبد و تنها راه مقابله با این اوضاع راه‌اندازی جنبش انقلابی زنان، در جهت ساختن بدیلی انقلابی است که بتواند نفرت عمیق زنان و کل مردم ستم‌دیده را در جهت سرنگونی انقلابی تمام و کمال رژیم جمهوری اسلامی و قطع دست کلیه امپریالیست‌ها هدایت کند. باید فارغ از زمزمه‌های منفعت‌طلبان و محافظه‌کاران، بی‌باکانه در پی تغییری باشیم که متضمن امنیت و صلح و رهای زنان و بشریت باشد. باید خودمان را برای مبارزاتی سخت آماده کنیم که محرک مبارزات کنونی ما برای تغییر طولانی و بنیادین جامعه باشد. باید جنبش انقلابی زنان را به راه بیندازیم که الهام بخش مبارزات زنان و کل توده‌ها در منطقه خاورمیانه و جهان باشد.

سازمان زنان ۸ مارچ (ایران-افغانستان)- انگلستان

اگست ۲۰۱۵

<https://facebook.com/8Mars.org> 8marswomenorg.lnd@gmail.com www.8mars.com

* امسال کنفرانس بیناد پژوهش‌های زنان ایران در لندن با تم زنان، صلح و امنیت برگزار می‌شود و ما تلاش کرده ایم که در این اطلاعیه فشرده نظرات خود را در باره این تم بیان کنیم.